

پیامدهای رویکرد محله‌محوری شهر تهران با نشانگرهای سرمایه

اجتماعی

علی فلاحی^۱، فریدون رضانی^۲ و دکتر حبیب آقابخشی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۲

تاریخ وصول: ۹۴/۸/۱

چکیده:

در راستای استقرار مدیریت مطلوب شهری، طرح محله‌محوری با هدف تمرکززدایی، افزایش بهره‌وری، تکریم مردم و رضایتمندی شهروندان، افزایش خدمات و همچنین توسعه‌ی مشارکت شهروندان از ابتدای سال ۱۳۸۷ آغاز گردیده است. این پژوهش با هدف شناخت تأثیر مدیریت محله در میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان شهر تهران (منطقه‌ی ۴) انجام شده است. مطالعه به صورت پیمایشی و توسط ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری، شهروندان بالای ۱۵ سال و ساکن در محلات (۲۰ محله) منطقه‌ی ۴ شهر تهران می‌باشند که در مجموع بالغ بر (۱۰۵۷۰۰۰) نفر بوده که با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر محاسبه شده است. شیوه‌ی نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر مدیریت محله و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت، انسجام، پیوندهای اجتماعی غیر رسمی، تعلق اجتماعی) رابطه‌ی معنادار و مستقیمی وجود دارد. متغیر اعتماد اجتماعی با ضریب همبستگی برابر با (۳۶۸/۰۰۲) دارای بیشترین رابطه و متغیر تعلق اجتماعی با ضریب همبستگی برابر با (۲۸۹/۰۰۲) دارای کمترین رابطه با متغیر محله‌محوری (مدیریت محلی) است.

مفاهیم کلیدی: محله، محله‌محوری، مدیریت محله، سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت شهروندان

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران (نویسنده‌ی مسئول) fallahy@me.com

^۲ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن 2141062@gmail.com

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن habib@uswr.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

سرمایه‌ی اجتماعی^۱ از جمله مفاهیمی است که در چند دهه‌ی اخیر با چشم‌انداز خاصی مطرح شده است، به طوری که اندیشمندان متعددی از جمله کلمن^۲، پاتنام^۳، فوکویاما^۴ و ... این نوع از سرمایه را در رشد سرمایه‌ی انسانی مفید دانسته‌اند. طرح موضوعات اقتصادی و سیاسی در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی عموماً با رویکرد کلان صورت می‌گیرد، اما باید توجه داشت مقیاس دیگری که می‌توان به بررسی آن پرداخت، سطوح خرد و میانه است. محله را می‌توان نوعی سازمان‌بندی اجتماعی سطح میانه تلقی کرد که در آن کنش‌های اجتماعی میان سطوح خرد، روابط میان کنشگران فردی و کنشگران جمعی مانند خانواده‌ها و انجمن‌های محلی انجام می‌شود. از طرفی یکی از عناصر اساسی که نقش مهمی در ساختار محله دارد، وجود سرمایه‌ی اجتماعی است. سرمایه‌ی اجتماعی نه تنها به اعتماد افراد محله مربوط می‌شود، بلکه نشان‌دهنده‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی آنان است.

شهرنشینی در دوران جدید نقطه‌ی آغاز مرحله‌ای است که در آن فلسفه و فرهنگ حیات بشری دستخوش تغییرات وسیع گردید و متعاقب آن هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای متناسب با زندگی صنعتی و تجاری گسترش پیدا کرد (پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰: ۵۶). از جمله نتایج مستقیم شهرنشینی لجام گسیخته دوران معاصر، به فراموشی سپرده شدن بسیاری از ساختارهای کالبدی و اجتماعی بوده است که در طی سده‌های پی در پی در نقش عوامل هویت‌ساز گروه‌های انسانی عمل می‌کردند. از طرفی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی شهری در بیشتر کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) به صورت متمرکز بوده و نظارت و توسعه‌ی شهرها از طریق سازمان‌های دولتی و عمومی در سطح ملی و منطقه‌ای انجام می‌پذیرد. مداخله‌ی قاطع دولت مرکزی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی - اقتصادی در این کشورها ضعف شدید مدیریت‌های محلی و نهادهای جامعه‌ی مدنی را در شهرها به دنبال داشته است. نبود جایگاه نهادهای شهروندی، سازمان‌های غیردولتی و بخش‌های مردمی و خصوصی در چارچوب اداری - سازمانی مانع از ابراز رسمی مطالبات و خواسته‌های این بخش‌ها در شرایط فعلی شده است.

¹ social capital

² Coleman, J.

³ Putnam, R.D.

⁴ Fukuyama, F.

شرایط کشورهای در حال توسعه و روند رو به رشد شهرنشینی و اداره‌ی آن با رویکرد و رهیافت سنتی، شرایط نامساعدی را در شهرها به وجود آورده که ضرورت تقویت حکومت‌های محلی و مشارکت مردم و بخش خصوصی را در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی شهری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مدیریت تمرکزگرا و اقتدار از بالا به پایین و ناکارآمد بودن بخش عمومی (مدیریت شهری) و همچنین کمبود بودجه‌های دولتی در نبود سرمایه‌گذاران خصوصی و مشارکت شهروندان، افت زیرساخت‌ها، خدمات شهری و شرایط زیست‌محیطی خاصی در شهرها را به وجود آورده است. از این رو لازمه‌ی رفع ناپایداری توسعه‌ی شهری کشورهای در حال توسعه، تمرکززدایی نهادهای دولتی و مدیریتی و واگذاری اختیارات، قدرت و صلاحیت به حکومت‌های محلی و سایر ذینفعان محلی، کارآمدسازی و مسئولیت‌پذیری در اداره‌ی امور شهری می‌باشد که همه‌ی این موارد شیوه‌ی جدیدی از اداره‌ی شهرها به نام «حکمرانی شهری» را می‌طلبد (لاله‌پور، ۱۳۸۶: ۳۲). حکمرانی شهری یکی از مباحثی است که بیشتر با مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی مرتبط است. رویکرد حکمرانی خوب به ویژه با رویکرد شهری و سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان طی یک دهه‌ی اخیر در جهان مطرح شده است (اکبری، ۱۳۸۳: ۵۴).

امروزه در مباحث نظری میزان و نحوه‌ی تعاملات اجتماعی کنشگران، نوعی سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌آید که یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی جامعه‌شناسان است. در دنیای مدرن، زندگی شهری با کاهش روابط اجتماعی همراه بوده است به نحوی که شبکه‌ی ارتباطی افراد نسبت به دوره‌های پیشین زندگی اجتماعی فرسوده‌تر به نظر می‌رسد. این مسأله موجب گسترش انزوای اجتماعی در سطح محلات شده است. شهرنشینان امروز، همچون گذشتگان خود با خویشاوندان و همسایگان، همکاران و دوستان خود رابطه‌ی صمیمانه کمتری دارند، به عبارتی کمیت و البته، کیفیت روابط اجتماعی تنزل یافته است. بنابراین کاهش روابط اجتماعی افراد و پیامدهای آن به یک مسأله‌ی اجتماعی تبدیل شده است.

مشارکت شهروندان، مفهومی است که بر اساس شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته است (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۵۹)؛ که ریشه‌های آن را می‌توان در دولت شهرهای یونان باستان جستجو کرد. در عصر حاضر، همزمان با مهم شدن نقش مردم در جامعه، مشارکت در عرصه‌ی سیاست و اجتماع در قالب اعطای حق رأی مساوی به همه‌ی شهروندان و حق تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های مدنی، مجال ظهور یافته است. در حال حاضر، مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی، اصل پذیرفته شده در تمام

کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۳۲) که به عنوان یک رویکرد مدیریتی از پایین به بالا در امور شهری برای فعال کردن اعمال نظارت همگانی بر توسعه‌ی جامعه، تلقی می‌گردد (مومنی و دیگران، ۲۰۱۲: ۷۱-۶۵).

مطالعه‌ی دیدگاه‌های متأخر مدیریت شهری، بیانگر اهمیت یافتن رویکردی است که مشارکت شهروندان را در قالب محله‌های شهری مورد توجه و تأکید قرار داده است. همچنین می‌توان گرایش فراگیر را در میان سطوح مختلف حکومت‌ها شناسایی کرد که به دنبال بهره‌گیری از منابع مالی و انسانی بر اساس روش‌هایی است که اداره‌ی فرآیند توسعه را به محله‌ها واگذار می‌کند و می‌توان از آن به «محله‌ی محوری» یاد کرد. در سال‌های اخیر مدیریت شهری تهران، یکی از سیاست‌های محوری خود را تبدیل این سازمان به نهاد اجتماعی و تأکید بر نقش مردم در مدیریت شهر قرار داده است. صاحب‌نظران حوزه‌ی شهری نیز بر ناکارآمدی برنامه‌ریزی متمرکز اتفاق نظر دارند و برنامه‌ریزی مشارکت‌گرا و از پایین به بالا را جانشین برنامه‌ریزی از بالا می‌دانند. البته تحقق این سیاست تنها زمانی رخ می‌دهد که مشارکت اجتماعی تنها از طریق اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های از پیش تعیین شده میسر نشده و شهروندان بتوانند از حق تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی نیز بهره‌مند شوند. بنابراین این پژوهش با هدف شناخت مشارکت اجتماعی در سطح محله و ساختار پیوندهای اجتماعی افراد در درون محله انجام می‌شود و به دنبال آن است که شناختی کلی از میزان سرمایه‌ی اجتماعی در زمینه‌ی مشارکت‌های اجتماعی به دست آورد. در این زمینه برنامه‌هایی در راستای استقرار حکمرانی^۱ مطلوب شهری با رویکرد محله‌محوری با مشارکت مردم شهر تهران اجرا شده است که برخواسته از تغییر نگاه و رویکردهای مدیریت شهری می‌باشد؛ همچنین با توجه به رویکرد محله‌محوری و در ادامه این مسیر مقرر گردید که با اجرای طرح «مدیریت محله» در محله‌های شهر با هدف سپردن امور مرتبط فرهنگی، اجتماعی و ورزشی در مقیاس محله به خود ساکنین محله و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت مشارکت، همکاری و توانمندی ساکنین، فرصت دیگری برای حضور، همکاری و تعامل تمامی علاقه‌مندان به مسائل شهری در مقیاس محلات و شکوفایی محله‌ای فراهم شود. تجربیات به دست آمده از برنامه‌ریزی‌های انجام شده در راستای توسعه‌ی محلی در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که عدم مشارکت مردم، سبب به وجود آمدن زیان‌های فراوان شده و جوامع را به سمت توجه به مشارکت عمومی سوق داده است (صفری شالی،

^۱ governance

۱۳۸۲: ۴۱-۳۱). به طور کلی، مشارکت اجتماعی برای به دست آوردن موفقیت در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، زمانی مثمرتر است که بیشتر مردم در فرآیند برنامه‌ریزی، دخالت داشته باشند (سرورزاده و دیگران، ۲۰۱۵: ۲۲۵-۲۱۴).

امروزه با افزایش جمعیت و گسترش فیزیکی شهرها، ارائه‌ی خدمات شهری با مشکل روبرو شده است. به طوری که مشکل مسکن، کمبود فضای سبز کافی، آلودگی هوای ناشی از تردد اتومبیل‌ها، جمع‌آوری زباله‌ها، حاشیه‌نشینی و تعارضات گروهی از جمله عوامل نارضایتی در کلان‌شهرهای ایران است. برای حل این معضلات توجه به مشارکت شهروندان و استفاده از توان و استعدادهای شهروندان بیش از پیش احساس می‌گردد. توجه به نقش مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه‌ی همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه‌نشینی، شکوفایی استعدادهای و بروز خلاقیت، بسط ارزش‌های دموکراتیک، سهیم شدن در منابع قدرت و تقویت روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری همراه است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

در کشور ما نیز با توجه به تجربیات گذشته، برنامه‌ریزان و مدیران شهری ناگزیر از توجه به برنامه‌ریزی در مقیاس‌های خرد در قالب واحدها و سلول‌های شهری یعنی محله می‌باشند. بر این اساس مفهوم برنامه‌ریزی (محله - مبنا) مطرح شده است. این برنامه‌ریزی مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی به مقیاس محلی و خرد می‌پردازد در واقع این الگو در پی شناخت ویژگی‌ها و توانایی محله‌ها و ناحیه‌های شهری است (شاعلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

مفاهیمی چون برنامه‌ریزی از پایین، مشارکت جمعی و فراگیر، حق فزون‌تر برای ساکنین محلی، عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر همراه با کارایی بیشتر، توزیع عادلانه‌ی امکانات و مواهب توسعه و نیز رفاه مردم تنها در سایه‌ی مفهوم توسعه‌ی محله‌ای و برنامه‌ریزی محلات شهری عینیت پیدا می‌کند (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳۷). محله‌محوری و مشارکت شهروندان در فعالیتهای مربوط به شهر، یکی از مسائل مهم اجتماعی است. در دهه‌ی گذشته مدیران شهری بیشتر به دیدگاه حکومت‌یاری گرایش پیدا کرده اند و معتقد بوده‌اند که رویکرد محله‌محوری و ناحیه‌گرایی در کلان‌شهری چون تهران قادر خواهد بود بسیاری از مشکلات در اداره‌ی شهر را از پیش رو بردارد. مدیران و کارشناسان شهرداری تهران بیش از هر زمان دیگری بهبود ساختار و سلسله مراتب مدیریتی و برنامه‌ریزی متمرکز و مقررات غیر مشارکتی را عامل کاهش سرمایه‌ی اجتماعی مردم و ذی‌نفعان

محلی در توسعه‌ی شهری می‌دانند. یکی از این‌گونه رویکردهای برنامه‌ریزی، مشارکت‌های شهروندی محله‌مدار، احیای اجتماع محله‌ای و مدیریت محله‌ای در نظام مدیریت شهری می‌باشد که در سال‌های اخیر مورد توجهی بسیاری از صاحب‌نظران واقع شده است. بسیاری بر این باورند که فرآیند گسترش شهرنشینی و مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ و متوسط، الگوی فضایی شهرها را دستخوش تحولات ناخوشایندی کرده است. از دست رفتن بعد انسانی، فضای شهری و بافت سنتی محله‌ای، از جمله پیامدهایی است که به دنبال این مسأله رخ داده است (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰: ۱۱).

در حوزه‌ی مدیریت محله‌ای شهر تهران، «سراهای محله» خدمات متنوع و گوناگونی را به مردم ارائه می‌دهند و اداره‌ی آنها توسط مدیریت محلی و شورایی‌ها انجام می‌شود. همزمان با شروع این اقدامات محله‌محوری در شهر تهران گسترش پیدا کرد؛ چرا که ماهیت شهرنشینی نوین، بنیان فضایی و اجتماعی کلان‌شهرها در دوران جدید را دستخوش دگرگونی اساسی گردانیده و اصول و بنیاد زندگی شهروندان ساز و کارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دیگری را پیدا کرده است.

بیشتر در ساختار مدیریت شهرداری، شورایی‌ها فعال شده بودند که از تعامل میان شهرداری نواحی و شورایی‌ها مدیر محله و نهادهایی چون سرای محله، خانه سلامت و ... تأسیس شدند. این رویکرد جدید در ساختار شهرداری و تأسیس نهادهای محلی با سرعت انجام شد به نحوی که تا پایان سال ۹۲ سرای محله در تمامی محلات شهر تهران دایر گردید (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ لذا در سؤال اساسی این تحقیق عنوان شده است که آیا رویکرد محله‌محوری مدیریت شهری منجر به کاهش بروکراسی اداری در واگذاری وظایف و مسئولیت‌ها به مردم بوده است، یا صرفاً گسترش فضای دیوانسالاری در محلات بوده است؟ به عبارت دیگر این موضوع مورد نظر است که آیا نهادها و مؤسساتی که شکل گرفته‌اند (راه‌اندازی سرای محله و مدیریت محله‌ای)، به چه میزان توانسته‌اند اعتماد، امنیت و زمینه‌ی مشارکت در فعالیت‌های محلی، شهری و در نهایت سرمایه‌ی اجتماعی را نهادینه سازند؟ طبیعتاً اطلاعات محلی برای برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح ضروری است. منطقه‌ی ۴ شهر تهران بعنوان یکی از پرجمعیت‌ترین، وسیع‌ترین، مهاجرپذیرترین، پربافت و سازترین مناطق تهران شناخته شده است. این منطقه با دارا بودن ویژگی‌های کالبدی و محیطی گوناگون و همچنین خصوصیاتی چون وجود نابرابری اجتماعی - اقتصادی در آن، جوان بودن میانگین سنی جمعیت، وجود اقشار آسیب‌پذیر در برخی محلات از سایر مناطق شهر تهران قابل تمایز و تفکیک است. لذا باید گفت به کمک

میراث یاد شده، می‌توان با کشف عناصر مشارکت در محله و بازخوانی آن در انطباق با شرایط جدید، مانع انحطاط روابط با دوام اجتماعی شد و ضروری است، موفقیت‌آمیز بودن برنامه‌های صورت گرفته به‌ویژه در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و افزایش مشارکت شهروندان، مورد کنکاش قرار گیرد، لذا پژوهش حاضر می‌کوشد در راستای رصد استقرار حکمرانی مطلوب شهری به بررسی نقش راه‌اندازی سرای محله و مدیریت محله در میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان محلات منطقه‌ی ۴ شهر تهران بپردازد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

حناچی و همکاران (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان «شهرسازی مشارکتی» را انجام داده‌اند. در این پژوهش، مسائل و مشکلات مدیریت شهری در سه سطح "رابط دولت با نهادهای محلی"، "رابط بین نهادهای محلی مرتبط با مدیریت شهری" و "رابط بین اجزا و عناصر ساختاری مدیریت شهری" مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش، مشکلات مدیریت شهری در سه عرصه‌ی فوق به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

- ارتباط بین دولت مرکزی و نهادهای محلی
- روابط بین نهادهای محلی
- مواجهه و تعامل درونی اجزای مدیریت شهری و نحوه‌ی اعمال مدیریت توسط آنها (حناچی و همکاران، ۱۳۸۸).

حاجی‌پور (۱۳۸۵)، در مقاله‌ی «برنامه‌ریزی محله‌مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، به بررسی نقش و جایگاه رهیافت محله‌مبنا در نظام برنامه‌ریزی مدیریت شهری پرداخته است. در این تحقیق، که از روش کیفی و اسنادی استفاده شده است، محقق مشخصه‌های برنامه‌ریزی محله‌مبنا را بدین صورت عنوان کرده است: ۱- طرح‌ها و برنامه‌های وابستگی بیشتری با شرایط و نیازهای محلی دارد؛ ۲- منجر به افزایش مشارکت در تأمین خدمات عمومی می‌گردد؛ ۳- باعث افزایش کنترل مردم بر زندگی و معیشت خود می‌شود؛ به طور خلاصه، محقق این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که رویکرد محله‌مبنا در جستجوی تعامل اجتماعی بوده و مشارکت بازیگران محلی را دستور کار قرار داده است، تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده بوده و کمتر به مداخلات کالبدی فضایی پرداخته و با نگاه فرایندگرا به پایداری تصمیمات در سطوح مختلف خواهد انجامید (حاجی‌پور، ۱۳۸۵).

ربانی خوراسگانی، صدیق اورعی، و خنده‌رو (۱۳۸۸)، مطالعه‌ی «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله» را انجام داده‌اند. در این مطالعه سعی شده، تا ضمن بیان اهمیت مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، مهم‌ترین شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله، معرفی و اندازه‌گیری شوند. شاخص‌های پیوند همسایگی، اعتماد در سطح محله، مشارکت در امور محله، کنترل اجتماعی غیر رسمی و احساس تعلق به محله مهم‌ترین شاخص‌های در نظر گرفته شده در این مطالعه می‌باشند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸).

اردشیری، حاجی‌پور و حکیمی (۱۳۹۲)، پژوهش «بررسی نقش و جایگاه ساختار کالبدی محله‌های شهری بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش که به صورت مطالعه‌ی کتابخانه‌ای صورت گرفته نشان داد که ویژگی‌های کالبدی محله تقویت‌کننده‌ی مناسبات اجتماعی است. به عبارت دیگر، در محله‌هایی که ساخت کالبدی و کیفیت محیطی موجود، برای ساکنان درجه‌ای از شناخت (ادراک) از محیط و، به دنبال آن، معنا را دارد، می‌توان انتظار داشت که تصویر ذهنی ایجاد شود و خاطره‌ای شکل گیرد (اردشیری و همکاران، ۱۳۹۲).

ب) تحقیقات خارجی

لنزی^۱ و همکاران در پژوهش ارتباط اجتماعی محله و مشارکت مدنی نوجوانان، مدلی یکپارچه با هدف توسعه‌ی اجتماعی محله‌ای؛ که در سال ۲۰۱۳ انجام شد، شیوه‌های مختلف مشارکت مدنی نوجوانان را در شهر متوسط اندام ایتالیا مطالعه کردند و سطح مشارکت آنان در امور محله‌ای و ارتباط بین نسلی میان آنان و بزرگسالان را، نسبتاً بالا ارزیابی کردند و این عوامل به تأثیر سیستم‌های اجتماعی در پرورش تعامل مدنی نوجوانان کمک می‌کند.

تیرمیزی^۲ (۲۰۰۵)، معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی را بوردیو مفهوم‌سازی کرده و سپس کلمن و پاتنام توسعه داده‌اند و آن را از نظر مجموعه‌ای از ارتباطات اجتماعی، که منابعی را تأمین می‌کنند، بررسی می‌نماید. تنوع‌های قابل بررسی در میان محققان، با توجه به تعریف و ابعاد شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، وجود دارد. مؤلف معیار نظری سرمایه‌ی اجتماعی را همانند یک درون‌داد مهم برای توسعه می‌داند. داده‌های این مطالعه

^۱ Lenzi

^۲ Tirmizi

از یک پیمایش سراسری در آمریکا (استراتژی‌های توسعه‌ی اقتصادی و زیربنای کارآفرینی) از ۳۰۷ روستاست که توسعه‌ی اجتماعی محلی موفقیت‌آمیز را تجربه کرده‌اند (گسترش تجارت‌های وجود یا ایجاد تجارت‌های جدید یا هر دو). نقش سرمایه‌ی اجتماعی را با جدا کردن مفهوم، در سطح خرد، میانی و کلان با در نظر گرفتن مکمل بودن سه سطح، آزمون می‌کند. عوامل بررسی شده‌ی پیوندهای اجتماعی محلی عبارت‌اند از: مشارکت شهروندان، نوع رهبری، اعانه‌ی نهادهای مالی، مجموعه‌ای برای ایجاد تسهیلات که کنش جمعی برای حل موضوعات و مالکیت محلی، محقق با روش استنباط چند متغیره رگرسیونی نتیجه می‌گیرد که سرمایه‌ی اجتماعی در سطوح خرد، میانی و کلان در تلاش‌های توسعه‌ی اجتماع محلی نقش موفقیت‌آمیز دارد. به ویژه در پیوندهای اجتماعی، اعانه‌ی مؤسسات مالی، مجموعه‌ای برای ایجاد تسهیلات، کنش جمعی برای حل موضوعات و مالکیت محلی، کمک برای موفقیت توسعه‌ی اجتماعی محلی (به نقل از لاله‌پور، ۱۳۸۶).

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

مبانی نظری پژوهش حاضر با توجه به موضوع تحقیق مرتبط با مفاهیم و نظریه‌های حوزه‌های مدیریت شهری (حکمرانی شهری، محلات، محله‌مداری، مدیریت محله‌ای) و سرمایه‌ی اجتماعی است.

مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد^۱ حکمرانی را مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره‌ی مشترک امور و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیر رسمی سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان است، تعریف می‌کند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵). کاروس^۲ (۱۹۹۷)، حکمرانی را فرایند تعامل پویا بین حکومت، بازار و بازیگران اجتماعی تعریف می‌کند که هر یک از طریق فرآیندهای رسمی و غیررسمی بر اعمال و تصمیمات دیگران تأثیر می‌گذارند و علاوه بر دولت، نقش دو عنصر بازار و مردم را در رشد و توسعه‌ی شهرها، مهم و اساسی می‌داند (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۱۹۰).

بر اساس مطالعاتی که در زمینه‌ی حکمروایی شهری و مطابقت آن در شرایط شهرهای ایران انجام شده است، معیارهایی چون مشارکت شهروندان، اثربخشی و کارآیی،

^۱ Un-Habitat, The Urban Governance Index

^۲ Carous

پذیرا بودن، مسئولیت و پاسخ‌گویی، شفافیت، قانونمندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی بعنوان معیارهای حکمروانی خوب شهری در ایران نام برده شده است. هر یک از این معیارها دارای مفهومی است که در نظامی یکپارچه در تعامل با یکدیگر نظام مدیریت شهری مبتنی بر حکمروایی خوب را تشکیل می‌دهد. در ادامه، هر یک از معیارهای فوق بعنوان معیارهای مطلوب حکمروایی شهری در شهرهای ایران معرفی می‌گردند (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۵۰۱):

- ۱- مشارکت شهروندان: منظور از مشارکت قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری‌ها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است. مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی است که در آن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری شهری سهیم می‌شوند.
- ۲- اثربخشی و کارایی: این معیار بر استفاده از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه‌ی خدمات شهری و رضایت مردم استوار است.
- ۳- پذیرا و پاسخ‌ده بودن: این معیار، دو نکته‌ی مکمل را هم در بر دارد. مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب را از خود نشان دهند؛ بنابراین هم‌سویی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان مورد توجه است.
- ۴- مسئولیت و پاسخگویی: این معیار بر مسئول بودن و، به عبارت گویاتر، حساب پس دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است؛ بنابراین وجود سازوکارهایی برای پاسخگویی مسئولان ضروری است.
- ۵- شفافیت: شفافیت نقطه‌ی مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است، پنهان‌کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.
- ۶- قانونمندی: منظور از قانونمندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه‌ی چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیر مسئول از تصمیم‌گیری‌هاست. پایبندی به قوانین مستلزم آگاهی شهروندان از قانون و همچنین احترام مسئولان به قانون است.
- ۷- جهت‌گیری توافقی: شهر عرصه‌ی حضور گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی تعدیل و ایجاد توافق میان منافع

مختلف است. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی (نماینده گروه‌های مختلف) است.

۸- عدالت: منظور از عدالت ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه‌ی شهروندان در زمینه‌ی ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه‌ی منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۱۰).

۹- بینش راهبردی: فرا رفتن از مسائل روزمره‌ی شهری و پرهیز از غرق شدن در آنها، مستلزم وجود بینشی گسترده و دراز مدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه‌ی توسعه‌ی شهری است (بهارات^۱، ۲۰۱۰: ۲).

۱۰- تمرکززدایی: طبق مطالعات بانک جهانی، بیش از ۶۰ درصد کشورهای در حال توسعه در حال اجرای برنامه‌ی تمرکززدایی هستند (شفیعی، ۱۳۸۱: ۵۱ و فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

به نظر مرلن^۲ محله با جنبه‌های فیزیکی و ریخت‌شناسی (موقعیت در شهر، دوره‌ی ساخت، تیپولوژی ساختمان‌ها، کارکردها و گروه‌های اجتماعی مسلط و غیره) مشخص می‌گردد (ربانی، ۱۳۸۱). عوامل تفاوت‌گذاری و معیارهای محدوده‌ی محله‌ها با کارکردهای متغیر می‌باشند (مرلن، ۱۹۸۳؛ به نقل از ربانی، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

مانوئل کاستلز^۳، از جمله متفکرانی است که بر نظریه‌ی شهری معاصر اثر گذاشته است. کاستلز بر این نظر است که فضای شهری باید احیا شود. یعنی فضاهای آزاد به وجود آید که ارتباط رویاروی مردم را افزایش دهد. او معتقد است حرکت‌های مردم در تضاد با جریان‌های کنونی آغاز شده و میل به ایجاد جریان‌های اجتماعی توسط شهروندان احساس می‌شود. پیشنهاد کاستلز ایجاد شوراهای شهر و مراکز فراغت خارج از منزل است که خود شهروندان، به‌خصوص جوانان، آن را سازماندهی کنند و در امور محلی تصمیم‌گیری نموده و حضور اجتماعی مردم در محیط شهری بیشتر شود به‌طوری که فضاهای مرده‌ی شهری دوباره زنده شود (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۵۷-۲۳۵).

دیکنز محلّیت را مسئله‌ی محوری یا پرسمان (پروبلماتیک) جامعه‌شناسی شهری می‌داند. به اعتقاد وی مردم هویت‌های خود را طی تعاملات اجتماعی، درون محله‌هایی با مقیاس کوچک، که در پیوند با زندگی روزمره‌شان است، کسب و تقویت می‌کنند و این

¹ Bharat

² Merlin, P.

³ Manuel Castells

موضوعی محوری نه فقط برای جامعه‌شناسی شهری بلکه برای کل جامعه‌شناسی است (دیکنز^۱، ۱۳۷۷: ۱۳).

با توجه به این مطالب، به نظر می‌رسد که مفهوم اجتماع محلی و دیدگاه‌های اصلی و عمده‌ای که در ادامه ذکر می‌شوند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و تحقق رویکرد محله محوری دارند:

• دیدگاه مشارکتی^۲ که ضرورت و فواید برنامه‌ریزی و مدیریت از پایین به بالا و مداخله‌ی ساکنان محله را در توسعه و اداره‌ی محیط زندگی‌شان توجیه می‌کند.

• رویکرد دارایی مینا، در مقابل رویکرد نیازمینا، به عنوان اندیشه‌ی محرک بهره‌گیری از منابع و دارایی‌های موجود در محله که بر اساس آن توسعه‌ی محله تنها زمانی صورت می‌گیرد که ساکنان محلی تصمیم بگیرند خود در عرصه‌ی حضور یابند و منابع محلی را در این راه به کار برند.

• دیدگاه سرمایه‌ی اجتماعی که یکی از اصلی‌ترین منابع و دارایی‌های محله را سرمایه‌ی اجتماعی آن معرفی می‌کند؛ یعنی پدیده‌ای که با شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی و بر مبنای اعتماد و عمل متقابل و هنجارها به وجود می‌آید و پیش‌نیاز توسعه‌ی محله است و رویکرد دارایی مینا قصد بهره‌برداری از آن را دارد.

پانتام سرمایه‌ی اجتماعی را، در آثار متعدد خود، با سه مؤلفه به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که عبارت‌اند از:

۱- شبکه‌ها: از نظر پانتام، شبکه‌های مشارکت مدنی از اشکال ضروری سرمایه‌ی اجتماعی هستند. هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال بیشتری هست که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند.

۲- هنجارهای تعاملات متقابل: در گروه‌های اجتماعی، هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آنها تقویت اعتماد، کاهش هزینه‌ی تعاملات و تسهیل همکاری است. او هنجارهای تعامل را از مولدترین اجزای سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند. گروه‌ها و جوامعی که بر آنها این هنجارها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند، به شکل مؤثری بر فرصت‌طلبی و مشکلات کار گروهی فائق می‌آیند.

۳- اعتماد اجتماعی: پانتام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع هنجارهای روابط متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه

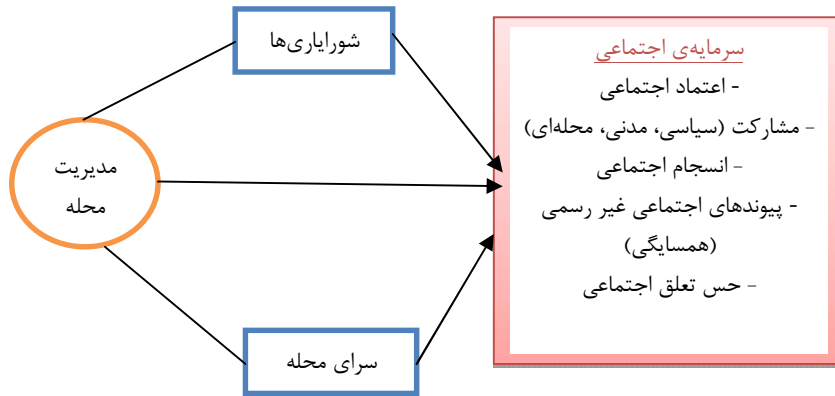
¹ Dickens, Peter

² participatory approach

سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز اعتماد را ایجاد می‌کند. از نظر پانتام، هر چه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری درباره‌ی یکدیگر به دست می‌آورند و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند (پانتام، ۱۳۸۰: ۵۴).

همچنین سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان یکی از مشخصه‌های «توسعه‌ی محلی» تلقی کرد. تحرک گروه‌ها و تشریک مساعی بین آنها، تقویت و توسعه‌ی پایه‌های دموکراسی در جامعه (محله)، ایجاد اعتماد به نفس در سطوح فردی و محلی، ازدیاد رهبران بومی و محلی و بالاخره ایجاد حالتی که در آن، مشکلات اجتماعی به وسیله‌ی اعضای محله حل شود. باید خاطر نشان کرد که موضوع محله، در متون اسلامی، به شکل روابط همسایگی و حقوق مربوط به آن مطرح می‌شود که بخش قابل توجهی از آنها از مقولات مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی است که در دنیای امروز مورد تأکید قرار می‌گیرد (زاهدی اصل، ۱۳۸۲: ۲۷۹-۲۷۸).

بر اساس مباحث نظری مطرح شده و از آنجا که پانتام سرمایه‌ی اجتماعی را میزان تعاملات شبکه‌ها، گروه‌ها و افراد می‌داند و هر چه تعاملات بیشتر شود منجر به افزایش اعتماد اجتماعی می‌شود، و نظر کاستلز مبنی بر اینکه برای توسعه‌ی پایدار احیاء مشارکت‌های مردمی و محلی ضرورت دارد، باید دید اقدامات صورت گرفته در راستای مدیریت مطلوب شهری و واگذاری امور اشاره شده به خود شهروندان تا چه میزان توانسته بر سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر گذارد. به عبارت دیگر چنانچه این رابطه وجود دارد شدت آن به چه میزان است و از چه نوعی می‌باشد. با توجه به مطالب مطرح شده و همچنین بر پایه‌ی چارچوب نظری، محقق در نظر دارد با بررسی میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان (محللات)، عملکرد مدیریت شهری در اجرای رویکرد محله‌محوری، را از طریق نگرش ذهنی شهروندان بر مبنای شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان، نقش تحقق مدیریت محله‌ای مطلوب را مورد بررسی و تبیین قرار دهد. بنابراین، در این پژوهش، ارزیابی موفقیت طرح محله‌محوری (مدیریت محله‌ای) شهر تهران با رویکرد کلی استقرار حکمرانی مطلوب شهری، با تمامی عوامل و عناصر کلی که در داخل محله و خارج از منزل، محیط زندگی محله را تشکیل داده و پیوسته تمام یا بخشی از ساکنان از آن بهره می‌برند، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله در نظر گرفته شده‌اند.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی مدیریت محله‌ای و سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های اختصاصی

- ۱) بین اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی مدیریت محله‌ای و میزان مشارکت اجتماعی (محله‌ای، نهادی و سیاسی) شهروندان رابطه وجود دارد.
- ۲) بین اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی مدیریت محله‌ای و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان همبستگی وجود دارد.
- ۳) بین اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی مدیریت محله‌ای و میزان انسجام اجتماعی شهروندان همبستگی وجود دارد.
- ۴) بین اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی مدیریت محله‌ای و پیوندهای اجتماعی غیر رسمی (همسایگی) شهروندان همبستگی وجود دارد.
- ۵) بین اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی مدیریت محله‌ای و حس تعلق اجتماعی شهروندان همبستگی وجود دارد.
- ۶) بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات) و رضایت از عملکرد مدیریت محله‌ای همبستگی وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی، به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ اجرا پیمایشی است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، شهروندان بالای ۱۵ سال و ساکن در محلات (۲۰ محله) منطقه‌ی ۴ شهر تهران (واقع در ۹ ناحیه‌ی شهرداری) در سال ۱۳۹۲ می‌باشند که در مجموع بالغ بر (۱۰۵۷۰۰۰) نفر هستند. نمونه‌ی آماری نیز با توجه به استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شده که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی پرسشنامه (محقق ساخته) بین آنان توزیع گردید. متغیر مستقل تحقیق عملکرد مدیریت محله می‌باشد که توسط ۸ گویه در مقیاس طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای) مورد سنجش قرار گرفته است. اعتبار صوری ابزار پرسشنامه توسط اساتید مجرب تأیید گردید. برای تست پایایی ابزار تحقیق از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شده است و نتایج بدست آمده حاکی از پایایی مورد قبول ابزار پرسشنامه و متغیرهای تحقیق می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

۱- یافته‌های توصیفی

در پژوهش حاضر ۲۳ درصد از پاسخگویان را مردان و ۷۶ درصد دیگر را نیز زنان تشکیل می‌دادند. ۳۳/۳ درصد از پاسخگویان مجرد، ۶۱/۴ درصد متأهل، و ۲/۹ درصد نیز بی‌همسر در اثر فوت یا طلاق بودند. محله‌ی شمس‌آباد و مجیدیه با مجموع ۶/۲ درصد از کل، دارای بیشترین پاسخگو، و محله‌ی گلشن و خاک سفید با ۲/۶ درصد، دارای کمترین پاسخگو بودند. سابقه‌ی سکونت ۵۳ درصد از پاسخگویان در محله بین یک تا ۱۰ سال، ۲۶/۱ درصد از پاسخگویان بین ۱۱ تا ۲۰ سال، ۱۰/۱ درصد از پاسخگویان بین ۲۱ تا ۳۰ سال، و ۰/۷ درصد از پاسخگویان نیز بین ۴۱ تا ۵۰ قرار داشت.

۲/۲ درصد از پاسخگویان میزان تحصیلات‌شان تا ششم ابتدایی، ۹/۸ درصد سیکل دیپلم (ناتمام)، ۲۹/۳ درصد دیپلم، ۱۴/۶ درصد فوق دیپلم، ۳۲/۹ درصد کارشناسی، ۹/۱ درصد نیز در مقطع کارشناسی ارشد بودند؛ همچنین میزان هزینه‌ی ماهانه‌ی خانواده ۳۴ درصد از پاسخگویان تا یک میلیون تومان در ماه، ۲۹/۸ درصد از پاسخگویان تا یک و نیم میلیون تومان، ۱۹ درصد پاسخگویان تا دو میلیون تومان، ۱۷ درصد پاسخگویان نیز دو و نیم میلیون تومان در ماه و بیشتر بودند.

۲- تحلیل استنباطی

آزمون فرضیه‌ها

در این تحقیق جهت آزمون فرضیه‌ها و بررسی رابطه‌ی بین مدیریت محله‌ای و سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان و مؤلفه‌های آن شامل: اعتماد اجتماعی، مشارکت، انسجام اجتماعی، تعلق اجتماعی، پیوند همسایگی از آزمون همبستگی پارامتریک پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون‌های میزان همبستگی مدیریت محله با سرمایه‌ی اجتماعی و

مؤلفه‌های آن

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شاخص آماری	سطح معناداری	میزان همبستگی	تأیید یا عدم تأیید
مدیریت محله	اعتماد اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۶۸	تأیید
مدیریت محله	مشارکت اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۰۸	تأیید
مدیریت محله	انسجام اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۳۷	تأیید
مدیریت محله	تعلق اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۸۹	تأیید
مدیریت محله	پیوند همسایگی	ضریب پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۱۲	تأیید
مدیریت محله	سرمایه‌ی اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۹۱	تأیید

همان‌طور که در جدول ۱، ملاحظه می‌شود؛ سطح معناداری به دست آمده برای تمام متغیرهای پژوهش ($Sig = 0/000$) از سطح مطلوبی برخوردار است. بنابراین بر این اساس می‌توان نتایج زیر را برشمرد:

۱- ضریب همبستگی به دست آمده بین متغیر مدیریت محله و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان که برابر با ($r = 0/368$) می‌باشد. می‌توان گفت که بین مدیریت محله‌ای و میزان اعتماد اجتماعی رابطه‌ی قوی و مستقیم (مثبت) وجود دارد، به‌طوری که با افزایش تأثیرات مدیریت محله‌ای، میزان اعتماد اجتماعی شهروندان نیز افزایش پیدا می‌کند.

۲- ضریب همبستگی بین متغیر مدیریت محله و میزان مشارکت اجتماعی برابر با ($r = 0/308$) می‌باشد، و بین مدیریت محله‌ای و میزان مشارکت اجتماعی رابطه‌ی قوی و مستقیم (مثبت) وجود دارد، به‌طوری که با افزایش تأثیرات مدیریت محله‌ای، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان نیز افزایش پیدا می‌کند.

۳- ضریب همبستگی بین متغیر مدیریت محله و میزان انسجام اجتماعی شهروندان برابر با ($r=0/337$) می‌باشد، و بین مدیریت محله‌ای و میزان انسجام اجتماعی رابطه‌ی نسبتاً قوی و مستقیم (مثبت) وجود دارد، به طوری که با افزایش تأثیرات مدیریت محله‌ای، میزان انسجام اجتماعی شهروندان نیز افزایش پیدا می‌کند.

۴- ضریب همبستگی بین متغیر مدیریت محله و میزان تعلق اجتماعی شهروندان که برابر با ($r=0/289$) می‌باشد، و بین مدیریت محله‌ای و میزان تعلق اجتماعی شهروندان رابطه‌ی متوسط و مستقیم (مثبت) وجود دارد، به طوری که با افزایش تأثیرات مدیریت محله‌ای، میزان تعلق اجتماعی شهروندان نیز افزایش پیدا می‌کند.

۵- با توجه به ضریب همبستگی بین متغیر مدیریت محله و پیوندهای اجتماعی غیر رسمی (همسایگی) که برابر با ($r=0/312$) می‌باشد، بین مدیریت محله‌ای و میزان پیوندهای اجتماعی غیر رسمی (همسایگی) رابطه‌ی نسبتاً قوی و مستقیم (مثبت) وجود دارد، و با افزایش تأثیرات مدیریت محله‌ای، میزان پیوند اجتماعی غیر رسمی شهروندان نیز افزایش پیدا می‌کند.

۶- همچنین ضریب همبستگی به دست آمده بین مدیریت محله و میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان که برابر با ($r=0/391$) می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که بین مدیریت محله‌ای و میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان رابطه‌ی قوی و مستقیم (مثبت) وجود دارد، به طوری که با افزایش تأثیرات مدیریت محله‌ای، میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان نیز افزایش پیدا می‌کند.

نتایج تحلیلی آزمون رگرسیون

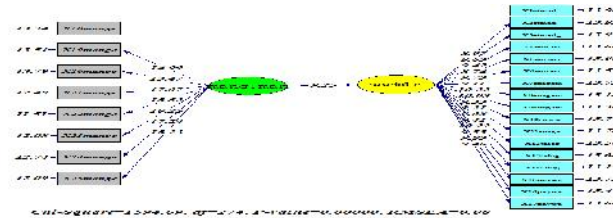
برای تبیین روابط بین متغیر وابسته (سرمایه‌ی اجتماعی) و متغیرهای مستقل شامل: تأثیر مدیریت محله، و متغیر ظاهری جنسیت شهروندان وارد شده در مدل، از تحلیل رگرسیونی بهره گرفته شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که ۰/۴ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان توسط متغیر مدیریت محله قابل تبیین است.

ضرایب استاندارد و شاخص‌های برازندگی مدل با استفاده از لیزرل

در این قسمت مدل مفهومی پژوهش با استفاده از نرم‌افزار لیزرل به آزمون تجربی در آمده است. ضرایب معنی‌دار خروجی لیزرل در نمودار شکل زیر (نمودار مربوط به نمرات

"تی" هر یک از ضرایب مسیر در نمودار شکل زیر درج شده است. علاوه بر خروجی لیزرل، ضریب مسیر و شاخص‌های برازندگی در جداولی جداگانه گزارش شده و توضیحات مربوط به هر یک از آنها در پایین جدول ارائه شده است.

آزمون رابطه علی بین مدیریت محله و سرمایه اجتماعی



نمودار ۱: خروجی نرم‌افزار لیزرل (نمرات تی) در حالت معناداری

جدول ۲: نتایج اجرای مدل ساختاری رابطه‌ی علی بین مدیریت محله و سرمایه‌ی اجتماعی

نتیجه	ضریب معناداری (<i>t-value</i>)	ضریب استاندارد ()	مدل اصلی تحقیق
معنادار	۹/۲۵	۰/۳۹	مدیریت محله سرمایه‌ی اجتماعی
ارزش <i>f</i> در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است			

با توجه به مقدارهای معناداری (*t-value*) به دست آمده که در بازه‌ی (۱/۹۶) - تا (۱/۹۶) قرار نگرفته‌اند، لذا می‌توان گفت تمام عوامل مدیریت محله بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل سرمایه اجتماعی

مقدار	آماره
۰/۰۸	<i>RMR</i>
۰/۰۸	<i>RMSEA</i>
۰/۹۵	<i>CFI</i>
۰/۹۴	<i>NFI</i>
۰/۹۴	<i>NNFI</i>
۰/۹۵	<i>IFI</i>
۰/۹۳	<i>RFI</i>
۰/۸۵	<i>PNFI</i>

با توجه به خروجی لیزرل شاخص‌های برازندگی مدل در جدول بالا ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار *RMR* برابر با ۰/۰۸، مقدار *RMSEA* برابر با ۰/۰۸، شاخص برازش تطبیقی برابر با ۰/۹۵، شاخص برازش نرم شده برازندگی و نرم نشده برازندگی برابر با ۰/۹۴، شاخص برازندگی فزاینده برابر با ۰/۹۵، شاخص برازندگی نسبی برابر ۰/۹۳، و شاخص برازش هنجار شده مقتصد برابر با ۰/۸۵ می‌باشد؛ بنابراین با توجه به مطلوب بودن شاخص‌های مختلف برازندگی مدل، می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع مدل ارائه شده مدل مناسبی است و داده‌های تجربی به خوبی با آن منطبق می‌باشند.

بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای

بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات) و رضایت از عملکرد مدیریت محله‌ای همبستگی وجود دارد.

الف) سن

جهت بررسی رابطه‌ی بین سن شهروندان و میزان رضایت از عملکرد مدیریت محله از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول شماره‌ی ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری به‌دست آمده، که برابر با ۰/۶۵۷ می‌باشد، از سطح معناداری مطلوب یعنی (۰/۰۵ p) بیشتر است؛ بنابراین می‌توان گفت که فرضیه‌ی صفر (H_0) مورد تأیید بوده و بین سن و میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون همبستگی سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان بر اساس سن

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شاخص آماری	سطح معناداری	میزان همبستگی	تأیید یا عدم تأیید
سن شهروندان	سرمایه‌ی اجتماعی	پیرسون	۰/۶۵۷	-۰/۰۲۲	عدم تأیید

ب) جنس

جهت بررسی رابطه‌ی بین جنسیت شهروندان و میزان سرمایه‌ی اجتماعی آنان از آزمون (تی تست) برای دو گروه متفاوت استفاده شد. همان‌طور در جدول ۵ ملاحظه می‌شود بین میانگین نمرات کسب شده در بین زنان و مردان اختلاف وجود دارد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که با توجه به آزمون لون و همگنی واریانس‌ها، مقدار (تی) $(۲/۰۱۶) -$ $(t=)$ به دست آمده در سطح $(sig = ۰/۰۴۴)$ معنادار شده است. بنابراین با توجه به اختلاف میانگین‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که بین جنسیت و رضایت از عملکرد مدیریت محله تفاوت وجود دارد. به عبارتی می‌توان گفت که زنان نسبت به مردان عملکرد این مدیریت را بهتر ارزیابی نمودند.

جدول ۵: نتایج آزمون تی تست سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان بر حسب جنسیت

اختلاف میانگین	F	S	آزمون t	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری دو دامنه
-۳/۰۲۰	۱/۳۲۱	۰/۲۵۱	-۲/۰۱۶	۴۱۰	۰/۰۴۴

ج) تحصیلات

برای سنجش ارتباط بین تحصیلات و میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه پیرامون سرمایه‌ی اجتماعی بر اساس تحصیلات

مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
۱۹۰۰/۸۷۹	۵	۳۸۰/۱۷۶	۲/۳۷۶	۰/۰۳۸
۶۴۳۱۸/۹۴۷	۴۰۲	۱۵۹/۹۹۷		
۶۶۲۱۹/۸۲۶	۴۰۷			

نتایج تحلیل واریانس در جدول ۶ نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان بر حسب تحصیلات، با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده، اختلاف معناداری وجود دارد؛ بنابراین با توجه به همگنی واریانس‌ها از نتایج آزمون (LSD) استفاده شده است.

نتایج آزمون (LSD) نشان داد اختلاف میانگین نمرات ارزیابی مدیریت محله‌ای توسط شهروندان، در مقاطع تحصیلی دیپلم (ناتمام)، با مقطع تحصیلی دیپلم و کارشناسی‌ارشد و بالاتر معنادار شده است. این اختلاف میانگین نشان می‌دهد شهروندانی که دارای مدرک سیکل دیپلم (ناتمام) هستند نسبت به شهروندانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم و کارشناسی‌ارشد و بالاتر می‌باشند، عملکرد مدیریت محله‌ای را بهتر ارزیابی نمودند. در سایر مقطع تحصیلی در میان اختلاف میانگین‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی نقش راه‌اندازی سرای محله و مدیریت محله در میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان محلات منطقه‌ی ۴ شهر تهران پرداخته است. از بین عوامل شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت، انسجام اجتماعی، تعلق اجتماعی، پیوندهای اجتماعی رسمی (همسایگی) مورد بررسی قرار گرفتند. در مجموع بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت محله نشان داد که بین سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت محله رابطه‌ی معنادار قوی و مثبت ($r=0/391$) وجود دارد، به‌طوری که با افزایش تأثیرات مدیریت محله‌ای، میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان به ویژه در ابعاد اعتماد، مشارکت، تعلق اجتماعی، انسجام اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج و یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیقات کیفی و کمی پیشین همسو می‌باشد. در ضمن نتایج رگرسیون چندگانه متغیر سرمایه‌ی اجتماعی نیز نشان داد که ضریب همبستگی چندگانه‌ی مدل برابر $0/490$ ، ضریب تعیین برابر با $0/276$ ، و ضریب تعیین واقعی برابر با $0/273$ می‌باشد. مقدار ضریب تعیین واقعی بیانگر این مطلب بود که $0/27$ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته (سرمایه‌ی اجتماعی) توسط متغیرهای مستقل مدیریت محله و متغیر ظاهری (جنسیت) وارد شده در مدل قابل تبیین است. در پژوهش حاضر علاوه بر تحلیل‌های ذکر شده، از روش مدل‌سازی ساختاری و نرم‌افزار لیزرل نیز برای سنجش برازش مناسب مدل و شاخص‌هایش استفاده شد. در

دسته‌ی مطلق از شاخص‌های RMR و $RMSEA$ ، در دسته‌ی نسبی از شاخص‌های نرم شده‌ی برازندگی، نرم نشده‌ی برازندگی، برازش تطبیقی، برازندگی فزاینده و برازندگی نسبی، و در زمینه‌ی شاخص‌های تعدیل‌یافته نیز از شاخص برازش هنجار شده مقتصد استفاده شد.

بنابراین در ادامه‌ی تحلیل، مقدار RMR برابر با ۰/۰۸۱، مقدار $RMSEA$ برابر با ۰/۰۸، شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۵، شاخص برازش نرم شده‌ی برازندگی (NFI) برابر با ۰/۹۴، نرم نشده‌ی برازندگی ($NNFI$) برابر با ۰/۹۴، شاخص برازندگی فزاینده‌ی (IFI) برابر با ۰/۹۵، شاخص برازندگی نسبی (RFI) برابر با ۰/۹۳ و شاخص برازش هنجار شده‌ی مقتصد ($PNFI$) نیز برابر با ۰/۸۵ به دست آمد؛ لذا با توجه به مطلوب بودن شاخص‌های مختلف برازندگی مدل، نتیجه حاصل شد که در مجموع مدل ارائه شده از لحاظ‌های شاخص‌های برازش، مدل مناسبی بوده و داده‌های تجربی به خوبی با آن منطبق هستند.

ظرفیت‌سازی به بسیج دارایی‌های اجتماعی، مالی، یا کالبدی اجتماع محلی کمک می‌کند (عارفی، ۲۰۰۴: ۴۹۱). ارتباط میان سرمایه‌ی اجتماعی و مناسبات اجتماعی موجب گردیده تا نظریه‌پردازان به عواملی که در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی نقش دارند، از جمله نهادهای اجتماعی و فضای کالبدی، توجه نمایند. این توجه باعث شده تا این باور تقویت گردد که محله‌ی شهری جای مناسبی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و همچنین ایجاد ارتباط با خود مکان است که هر دوی این روابط برای ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی در یک محله در شرایطی به وجود می‌آید که تعامل میان ساکنان آن به حد مطلوب خود رسیده باشد.

بدیهی است تمامی محله‌ها به این ویژگی نمی‌رسند؛ لیدن معتقد است «برخی همکاری و مساعدت جمعی را به منظور دستیابی به منافع مشترک تسهیل می‌کنند (جنکز و جونز^۱، ۲۰۱۰: ۲۸۲). در حقیقت، میزان روابط اجتماعی در میان شبکه‌های اجتماعی موجود در یک محله، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی تعیین‌کننده‌ی میزان سرمایه‌ی اجتماعی در آن محله است تا آنجا که کیفیت این روابط می‌تواند معرف هنجارهای اجتماعی درون این شبکه باشد.

^۱ Jenks and jons

در این میان، اعتماد نقش واسطه‌ای مهمی می‌یابد؛ چرا که در محله‌هایی که ساکنان نسبت به یکدیگر نوعی نگرش مثبت و از اعتماد بیشتری داشته باشند، روابط اجتماعی بیشتر و سالم‌تری دیده می‌شود (اردشیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲-۴۱).

تمرکززادایی از ساختار قدرت و ایجاد ائتلاف میان سه نهاد قدرت، یعنی دولت، جامعه‌ی مدنی و مردم، برای اداره‌ی امور لازمه‌ی استقرار حکمرانی مطلوب شهری است. بنابراین، طرح‌های ناحیه‌محوری و محله‌محوری (مدیریت محله‌ای) را شهرداری تهران در شهر و محلات تهران اجرا کرده است. مدیریت محله‌ای سازوکاری برای رسیدن به این هدف مطرح شده است.

هدف از مدیریت محله‌ای تمرکززادایی، محلی‌گرایی و مشارکت دادن مردم در مدیریت محلات است که، در صورت موفقیت، می‌تواند در رابطه با توسعه‌ی پایدار شهری، نقش مهمی ایفا کند (میرزایی و حیدری، ۱۳۹۲: ۶۳).

البته اجرای موفقیت‌آمیز این طرح‌ها با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان و ایجاد حس مشارکت و شبکه‌ای از روابط مبتنی بر اعتماد میسر می‌گردد. لذا مبحث سرمایه‌ی اجتماعی، به‌ویژه مؤلفه‌های اعتماد، و مشارکت (که خود مجموعه‌ای از روابط و همکاری جمعی در این نهادهاست)، چنانکه یافته‌های این تحقیق نیز نشان داد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پاتنام وجود سرمایه‌ی اجتماعی را در بهبود کارکردهای حکومت مؤثر می‌داند و می‌توان چارچوب عناصر نظریه‌ی او را در این زمینه به صورت زیر خلاصه نمود:

(۱) شهروندان با عضو شدن در انجمن‌های ورزشی، محلی، حزبی و همچنین گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی، اعتماد و همکاری را افزایش داده و درون شبکه‌های اجتماعی هنجارها و قواعد مشترک بر روابط افراد حاکم بوده که این خود سرمایه‌ی اجتماعی را شکل می‌دهد.

(۲) اعتماد یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌ی اجتماعی است. زیرا اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری و مشارکت مدنی هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند.

(۳) اعتماد، همکاری و مشارکت مدنی با عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های مدنی تقویت می‌شود.

بطور کلی نتایج پژوهش حاضر بیانگر اهمیت و تأثیرگذاری مدیریت محله در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان به ویژه در حوزه‌ی اعتماد، مشارکت، انسجام، و تعلق

اجتماعی است؛ لذا بر اساس دیدگاه کاستلز، برای رویارویی با جریان‌های متضاد آغاز شده در فضای شهری کنونی، جریان‌های اجتماعی می‌بایست تقویت شده و شوراهایی که توسط خود شهروندان سازماندهی می‌شود فضاهای شهری را احیاء نماید.

پیشنهادات

اجرای طرح مدیریت محله در محلات شهر تهران توانسته نقش مؤثری در افزایش انگیزه‌های مشارکت شهروندان ساکن در محله و همچنین افزایش معنادر سرمایه‌ی اجتماعی آنان در برنامه‌های شهری داشته باشد.

علاوه بر این بر اساس مؤلفه‌های دیگر مشخص شده سرمایه‌ی اجتماعی، می‌توان گفت طرح مدیریت محله توانسته است، در رسیدن محلات به توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - زیست‌محیطی، ایفا نماید. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان راهکارهای زیر را برای بهبود اجرای مدیریت محله در راستای افزایش سرمایه‌ی اجتماعی تمام ساکنان، ارائه داد:

- برنامه‌ریزی اجتماعی جهت توسعه و تقویت نهاد مدیریت محله و استفاده از توان ساکنین محلی؛
- فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی برنامه‌ریزی شده و مدون پیرامون ابعاد مختلف مدیریت محله و توسعه محلات؛
- ایجاد مراکز فرهنگی در سطح تمامی محلات و گسترش هر چه بیشتر محیط‌های تفریحی و فرهنگی مختص نوجوانان و جوانان در سطح محلات؛
- افزایش نظارت شهروندان بر فعالیت‌های مدیریت محله؛
- شکل‌گیری شوراهای اجتماعی و فرهنگی محلات؛
- ارتقاء سطح آگاهی ساکنان از طریق انتشار نشریات محلی و همچنین استفاده مناسب از فضای اینترنت در این زمینه؛
- ایجاد نشاط و شادابی در ساکنان محله از طریق اعلام برنامه‌های دسته‌جمعی در روزهای خاص (مثلا کوه‌پیمایی یا ورزش صبحگاهی و ...)
- احداث پارک و فضای سبز مختص هر محله جهت تعامل بهتر ساکنان؛

-
- ایجاد بانک اطلاعات محله‌ای از تخصص‌ها و مهارت‌های ساکنین به عنوان سرمایه‌های انسانی محلات؛
 - بهبود بافت محیط کالبدی و مسکونی با مشورت ساکنین در سطح محله؛

فهرست منابع:

- اردشیری، مهیار؛ حاجی‌پور، خلیل و حکیمی، سمیه (۱۳۹۲). "بررسی نقش و جایگاه ساختار کالبدی محله‌های شهری بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی"، نشریه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۳، تابستان.
- اکبری، امین (۱۳۸۳). نقش سرمایه‌ی اجتماعی در مشارکت: بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی، اجتماعی (مطالعه موردی: روستای فارسنج از توابع سقز)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- برک‌پور، ناصر (۱۳۸۵). حکمروایی شهری و نظام اداری شهرها در ایران، همایش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- پارک، رابرت (۱۳۵۸). رفتار انسانی در محیط شهری در مفهوم شهر، تهران: گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای.
- پیربابایی، محمدتقی و سجادزاده، حسن (۱۳۹۰). "تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله‌ی سنتی"، مجله‌ی باغ نظر، ۸ (۱۶).
- تقوایی، علی‌اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸). "درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، فصلنامه‌ی پژوهشی - تحلیلی و آموزشی مدیریت شهری"، شماره‌ی ۲۳، بهار.
- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵). "برنامه‌ریزی محله - مبنا"، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، شماره‌ی ۲۶، تابستان.
- حبیبی، سید محسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴). "شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران"، فصلنامه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۴.
- حناچی، پیروز؛ اسلامی، غلامرضا و کامل‌نیا، حامد (۱۳۸۸). "تحلیل و ارزیابی معماری جمعی بر اساس شاخصه‌های جمعی"، نشریه‌ی هویت شهر، سال پنجم، شماره‌ی ۷.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی شهری (جامعه، اجتماعی محلی و طبیعت انسانی)، ترجمه‌ی حسن بهروان، مشهد: به نشر.
- ربانی، رسول (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری، با همکاری فریدون وحید، اصفهان: دانشگاه اصفهان؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- ربانی خوراسگانی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا و خنده‌رو، مهدی (۱۳۸۸). "بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله"، نشریه‌ی علوم اجتماعی، علوم اجتماعی (دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد)، پاییز و زمستان، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۲). باز تولید سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله، همایش علمی - کاربردی توسعه‌ی محله‌ای - شهرداری تهران ۱۳۸۲.
- شاعلی، جعفر؛ میرزائیان، کتایون و مرادی، فاطمه (۱۳۹۲). "بررسی نقش اجرای ناحیه محوری شهرداری تهران در توسعه‌ی پایدار شهری"، فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت شهری، ۵ (۱۳).
- شفیعی، حسن (۱۳۸۱). دولت و شوراهای در ایران / تمرکز منابع قدرت و ناکارآمدی نهادهای دولتی، ماهنامه‌ی شهرداری‌ها، ناشر سازمان شهرداری‌های کشور، شماره‌ی ۴۵، سال چهارم، بهمن ۱۳۸۱.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹). مبانی برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ دوم.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۲). "بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی"، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان، شماره‌ی ۱۵ و ۱۶.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران: نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات، جلد سوم، ترجمه‌ی احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- لاله‌پور، منیژه (۱۳۸۶). "حکمرمایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه"، جستارهای شهرسازی. شماره‌ی ۱۹ و ۲۰.
- میرزایی، علی و حیدری، کاوس (۱۳۹۲). "مدیریت محله‌ای، سازوکاری برای توسعه‌ی شهری: فرصت‌ها و تهدیدها"، مجموعه مقالات همایش علمی در شهرداری به منزله‌ی نهاد اجتماعی، جلد پنجم،
- میرموسوی، سید علی (۱۳۷۵). "مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی"، فصلنامه‌ی نقد و نظر، شماره‌ی ۷ و ۸.
- وحید، فریدون و نیازی، محسن (۱۳۸۳). "تأملی در مورد رابطه‌ی بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در کاشان"، مجله‌ی نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۳.

Arefi, M (2004). And Asset-based Approach to polimaking. Cities. Vol 21, 491-500. Hyperlink <http://www.scinedirect.Com>. www. Sciencedirect.Com.

Bharat, Alka (2010). Urban governance for sustainable Development.

Gowan, Ch.; Stefenson, K.; Shabman, L. (2006). "The role of ecosystem valuation in environmental decision making: Hydropower relicensing and dam removal on the Elwha River", Ecological Economics 56, 508- 523.

Jenks, M. and Jones, C. (2010). Dimensions of the Sustainable City: vol. 2, Srpringer: p. 282.

Momenia, M., Shamskooshkia, H., Javadiana, M. (2011). "Appllication of Neighborhoods Council Associations in Sustainable urban management based on citizen participation", International Conference on green buildings and sustainable cities, engineering, Vol 65-71.

Sarvarzadehaand, S.K, Syed Zainol, A. (2012). "Proplematic Issues of Citizens participation on urban heritage Conservation in the historic cities of Iran", Social and behavioral Science. Vol. 50, 214-225.

Un-Habitat (2005). The urban governance index: a tool of quality of urban governance Beirut.